

ساختار دراماتیک در شعر دورهٔ عباسی

مؤلف:

دکتر هیثم محمد قاسم جدیتاوی

مترجم:

دکتر محمدجعفر اصغری

عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان



انتشارات آوای نور

تهران - ۱۴۰۲

سرشناسه	: حدیثاوی، هیثم محمدقاسم، ۱۹۶۵- م.
عنوان فراردادی	: البناء الدرامی فی القصیة العباسیة من بشار بن برد الی المتنبی فارسی
عنوان و نام پدیدآور	: ساختار دراماتیک در شعر دوره عباسی/مولف هیثم محمدقاسم حدیثاوی : مترجم محمدجعفر اصغری ؛ ویراستار فاطمه حامدی.
مشخصات نشر	: تهران : آواک نور، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	: ۲۸۴ ص.
شابک	: 978-600-309-989-0
وضعیت فهرست	: فیبا
نویسی	
یادداشت	: کتابنامه:ص. ۲۷۷ - ۲۸۴.
موضوع	: شعر عربی -- قرن ۲-۴ق. -- تاریخ و نقد Arabic poetry -- 8-10th century -- History and criticism شاعران عرب -- قرن ۲-۴ق. -- نقد و تفسیر Poets, Arab -- 8-10th century -- Criticism and interpretation عباسیان -- تاریخ -- قرن ۲ - ۴ق. -- History -- 8-10th centuryAbbasids
شناسه افزوده	: اصغری، محمدجعفر، ۱۳۵۷-
رده بندی کنگره	: PJ۸۲۳۴۰
رده بندی دیوبی	: ۸۹۲/۷۱۱
شماره	: ۹۳۶۳۶۷۱
کتابشناسی ملی	
اطلاعات رکورد	: فیبا
کتابشناسی	

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ساختار دراماتیک در شعر دوره عباسی

البناء الدرامی فی القصيدة العباسية من بشار بن برد إلى المتنبي

مؤلف: دکتر هیثم محمد قاسم جدیتاوی

مترجم: دکتر محمدجعفر اصغری

ناشر: آوای نور

صفحه آرا: فاطمه حامدی

چاپ: اول ۱۴۰۲

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۹-۹۸۹-۰۰



نشانی: تهران، میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهید وحید نظری، پلاک ۹۹، طبقه

دوم، تلفن: ۶ و ۶۶۹۶۷۳۵۵، نمابر: ۶۶۴۸۰۸۸۲

قیمت ۳۶۰۰۰۰ تومان

همه حقوق برای مترجم محفوظ است.

فهرست مطالب

۷	مقدمه مترجم
۹	مقدمه مؤلف
۱۵	پیش‌گفتار
۵۹	فصل یکم: کنش دراماتیک در قصیده‌های دوره عباسی
۱۷۳	فصل دوم: زمان و مکان کنش دراماتیک در قصیده دوران عباسیان
۲۳۱	فصل سوم: مشخصه‌های قهرمانی در قصیده عصر عباسی
۳۱۱	فصل چهارم: ساختار زبانی درام شعری در قصیده عصر عباسی
۳۷۳	نتیجه‌گیری

مقدمه مترجم

در میان دوره‌های ادبی عربی، دوره عباسیان، دوره‌ای شکوفا، شکوهمند و پیشرفته به شمار می‌رود؛ ناقدان، یکی از مهم‌ترین دلایل این شکوهمندی و پیشرفتگی را ناشی از آغوش باز این دوره بر فرهنگ و ادبیات دیگری می‌دانند؛ چراکه در پیلۀ خود فرو نرفت و ابواب را به طور کامل برای پذیرایی از دیگری، باز گذاشت؛ در دوره عباسیان، فرهنگ و ادبیات، ضمن بهره‌بردن از حکمت یونانیان، از فرهنگ و ادب ایرانی نیز بهره‌آفر برد و این چنین بود که ادبیات غنی، سرشار و پرباری را برای آیندگان به یادگار گذاشت.

از آنجاکه عصر عباسی، میدان گسترده‌ای جهت ادبیات تطبیقی محسوب می‌شود و همچنین، به دلیل اینکه ادبیات تطبیقی، به همگرایی ملت‌ها کمک می‌کند و پایانی است بر واگرایی؛ بنابراین، تصمیم گرفته شد کتاب «البناء الدرامی فی القصيدة العباسية؛ من بشار بن برد إلى المتنبي» به فارسی برگردان شود تا پژوهندگان ادبیات تطبیقی عربی فارسی و به ویژه محققان ادبیات فارسی، این برگردان را دستمایه‌ای جهت پَسین تحقیقات خود قرار دهند؛ چراکه کتاب، درام را در شعر شاعرانی بررسی می‌کند که شعر آنان، افزون بر برخورداری از کیفیت بالا در ادبیات عربی، خود فضای مناسبی است جهت ادبیات تطبیقی؛ متنبی، بحتری، ابوتمام، ابونواس، ابن الرومی، بشار بن برد و... از جمله شاعرانی هستند که در این کتاب، شعر آنان به لحاظ درام، مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفته است.

کتاب یادشده در کشور اردن و از سوی دو انتشارات «مؤسسة حمادة للدراسات الجامعية والنشر والتوزيع» و «داراليازوری» و در دو شهر «اربد» و «عمان»، در ۳۶۳ صفحه به زیور چاپ آراسته شده است.

مترجم کوشیده است ضمن وفاداری به متن مبدأ و همچنین تعهد به راهکارها و قواعد فن ترجمه، مفهومی واضح از گفته‌های مؤلف ارائه دهد؛ در همین راستا، عنوان کتاب «البناء الدرامی فی القصيدة العباسية؛ من بشار بن برد إلى المتنبي» به صورت: «ساختار دراماتیک در قصیده‌های دوره عباسی؛ از بشار بن برد تا متنبی» ترجمه شده است؛ در نخستین نگاه، شاید یک مترجم، واژه «نمایش» را معادل واژه «درام» قرار دهد؛

اما با توجه به اختلافی که در نگاه به درام وجود دارد و مؤلف خود در مقدمه کتاب به آن اذعان داشته است و به طور کامل، «نمایش» را معادل کاملی برای «درام» نمی‌داند؛ تصمیم بر آن گرفته شد که معادل درام، واژه «دراماتیک» لحاظ شود تا بیشتر وافی به مقصود باشد.

در پایان، از همه پژوهشگران عرصه زبان و ادبیات عربی، خواهشمندم حقیر را از دیدگاه‌های صائب خویش، محروم نفرمایند.

د.محمدجعفر اصغری

تیرماه ۱۴۰۲

مقدمه مؤلف

مدت‌های مدیدی است بر این باورم که از میان دوره‌های تاریخ عربی اسلامی، دوره عباسیان، در تمامی عرصه‌ها و رویکردها، عصری نمونه است؛ البته من فقط عصر نبوت و خلفای راشدین را استثنا می‌کنم؛ همان عصری که دوره عباسیان میوه رسیده آن، مرحله پیشرفته‌ای از مراحل پیشرفت و رشد آن و حالتی از اتحاد در عین تنوع بود که امت عربی نه پیش و نه پس از آن، شاهد آن نبود؛ به نظر من، هیچ دوره‌ای از ادوار ادبیات عربی، شاهد جلوه‌های گسترده دوره عباسی نبوده است؛ همان دوره‌ای که آغوشش باز، به لحاظ اندیشه و تأمل، سینه‌اش قوی و آزاد و برخوردار از کرانه‌های گسترده بود؛ همه این موارد، این دوره را برای یک پژوهشگر در جلوه‌های نشاط اجتماعی و عرصه‌های زندگی، دوره‌ای تحریک‌کننده قرار داده بود؛ در همین دوره بود که تناقض‌ها در آن گرد آمدند، جلوه‌ها و پیکره‌های گسترده آن، موارد ناموزون و ناهماهنگ را درک و حل نمودند؛ اما در عین حال، در بیشتر موارد، هویت ملت و رسالت آن، حفظ شد.

این عصر، از چنان نفوذ نظامی و سیاسی برخوردار شد که مقام نخست را در میان کشورهای جهان به خود اختصاص داد؛ همچنین، این دوره، شکوهمند، استوار، ارزشمند و معتبر بود که عهدنامه‌هایی با آن به امضا می‌رسید؛ افزون بر مورد یادشده، از چنان وجهه علمی و فرهنگی برخوردار شد که باعث آگاهی آن از فرهنگ و تمدن ملت‌های دیگر شد؛ به طوری که از این امر بهره برد و آن را در فرهنگ عربی اسلامی بدون هیچ‌گونه احساس به ضعف و سستی، ذوب نمود. از نظر من، این عامل، باعث شد دوره یادشده از لحاظ علمی و فرهنگی، بزرگ‌ترین عصر قلمداد شود.

اما امنیت و آرامش این دوره، برای پیروان ادیان آسمانی، مذاهب فقهی، احزاب سیاسی و قومیت‌ها با نزادهای مختلف، فرصتی فراهم آورد که با یکدیگر هم‌زیستی مسالمت‌آمیز داشته باشند و در فضایی آزاد و بدون تعصب و البته هر از گاهی در فضایی از تعارض و برخورد، با یکدیگر، به گفت‌وگو بنشینند.

شرایط پیش‌بینی شده در این دوره باعث شد که بزرگان، رهبران مبارز، دانشمندان یکتا و ادیبان و شاعران، پاس داشته شوند؛ همانانی که از منزلتی عظیم برخوردار بودند. این عامل، ما را به تجدیدنظر در دستاوردهای آن عصر فرا می‌خواند تا با تأمل در آن، شاید شکوه گذشته آن را دیگر بار بازیابیم.

تا زمانی که چنین نگاهی به این دوره داشته باشیم، جای تعجب ندارد که از آن بهره ببرم؛ به ویژه در عرصه تعامل با دانش‌های ملت‌های دیگر. چه این تعامل از طریق برخورد مستقیم و چه از طریق ترجمه صورت بگیرد؛ زیرا به روی هر چیز جدید، با آغوش باز استقبال کرد و از جوشش طبع آن ملت‌ها بهره برد؛ در اثر این امر، اندیشه این عصر بارور و جان‌ها و احساسات افراد این جامعه از آن بهره‌مند شد. همچنان که این برونداد در اساس اندیشه و زبان این دوره ذوب شد و از آن، فرهنگ مناسبی برای آحاد جامعه و وارثان این امت، به ارمغان آورد.

ما امروز، با آگاهی از دستاوردهای آنان، احساس غرور و افتخار می‌کنیم و تلاشمان این است که به همان شیوه‌ای که عباسیان با فرهنگ‌های دیگر در تعامل بودند، ما نیز به بازخوانی آن بپردازیم.

به همین منظور، من معتقدم راه ارتقای فرهنگ و تمدن، بازخوانی میراث با تمام سبک‌های جدید و با یک نگاه جدید است؛ در این امر، به لحاظ بهره‌گیری از دیگری، چون عباسیان هستیم؛ اما با توجه به اینکه اصطلاح دراما از اصطلاحات نقدی جدید است که پژوهشگر را در فهم کُنه متون شعری، یاری می‌رساند و از طریق آن، ابعاد روانی و فکری صاحبان آثار ادبی مشخص می‌شود و همچنین، انواع تعارض با شیوه‌های مختلف نزد آنان، برجسته می‌شود؛ بنابراین، تصمیم گرفتیم قصیده دوره عباسی را بر طبق آن بررسی کنیم چراکه بررسی شعر قدیم و جدید عربی، به لحاظ درام‌گونگی در چند مقاله و چند فصل کتاب خلاصه شده است؛ هر چند که در پژوهش‌های غربی، رواج و انتشار یافته است.

من، بر شعر شاعران عصر عباسی، تمرکز نمودم؛ عصری که از نظر من، شعر به لحاظ فنی در اوج بوده است؛ از این رو، در شعر بزرگان حرفه شاعری و سردمداران بیان، به لحاظ کیفیت و کمیت، به تأمل می‌نشینیم. شاعران این دوره به کثرت آثار و تفاوت شیوه

شعری مشهور هستند؛ با توجه به اینکه مشتاق دوره‌ای بودم که شاعران آن دوره بر سایر شاعران برتری دارند، من هیچ موقع فکر نکردم که خوانش شعر آنان از بشار تا متنبی، چالش‌پذیری فراوانی دارد؛ بلکه انگیزه‌ام ارائهٔ پژوهشی جدید بود که در خدمت میراث ادیبان باشد و جلوه‌های زیبایی و نوآوری را در آن برجسته سازد. ارزیابی شعر آن دوره سختی‌هایی را که با آن مواجه بودم، آسان ساخت.

با توجه به این دیدگاه، به بررسی فصول این کتاب پرداختم؛ به همین منظور، در تمهید، دو مسئلهٔ اصلی را مورد بررسی قرار دادم؛ اولین مسئله، مسئلهٔ انواع ادبی از جهت انفعال و اختلاط است که از طریق این انواع، به نقش کلاسیک در تثبیت آنچه که پاک و مطهر بود، اشاره شد؛ همچنین، در اشاره به رمانتیک، تنها به نقش او و دعوت به مرزشکنی میان انواع اشاره نکردم؛ بلکه به اختلاط و تعامل ویژگی‌های یکدیگر نیز اشاره نمودم؛ به طوری که درام‌گونگی، شعرگونگی و داستان‌سرایي را ویژگی‌هایی لحاظ نمودم که بر آثار ادبی اطلاق می‌شد نه انواع ثابتی که نمی‌توان به آن بی‌توجه بود. پس از آن، اصطلاحات جدیدی به ظهور رسید: قصیدهٔ نثر، داستان شعری، شعر روایی و شعر درامی. دومین مسئله: اختلاف پژوهشگران در تعیین مفهوم دراماست؛ زیرا طی گفت‌وگو با پژوهشگران این عرصه، به سه دیدگاهی که در این اصطلاح به تأمل پرداختند، تأمل نمودم؛ گروهی آن را مترادف نمایشنامه می‌دانند؛ از نظر آنان، درام و نمایشنامه دو تسمیه برای یک اسم هستند؛ گروهی دیگر، آن را عنوانی برای متن نوشته شده جهت نمایش در تماشاخانه قلمداد کردند که با این دیدگاه، درام از نمایش نامه متمایز می‌شود؛ زیرا از نظر آنان، دراما بر متن پیش از نمایش اطلاق می‌شود؛ درحالی‌که نمایشنامه پس از نمایش، نمایش‌نامه نامیده می‌شود. گروه سوم، دراما را صفت هر عمل فنی قلمداد کرد که از ویژگی‌های نمایش‌نامه و نمایش برخوردار بود؛ بدون اینکه صرفاً به آن منحصر باشد؛ از این رو من مفهوم دراما را بر حسب برداشت خودم تعیین کردم و از جهت داشتن یا نداشتن این ویژگی، به دیدگاه‌های پژوهشگران عرب نسبت به شعر قدیم پرداختم.

در فصل اول کتاب، مقصود از کنش دراماتیک را تعیین کردم؛ زیرا کانون نزاع و خاستگاه آن است؛ همان‌طور که تعارض یا نزاع را در چهار مورد دسته‌بندی کردم که عبارت‌اند از: تعارض عمودی که در رویارویی آزادانهٔ انسان با ارادهٔ الهی نمود می‌یابد؛ در

این مورد، پدیده زندقه نزد هر یک از بشار و ابونواس را به عنوان نمونه آوردیم. تعارض افقی در تعارض قهرمان با نیروهای اجتماعی نمود می‌یابد که در این مورد، قصیده ابوتمام را به عنوان نمونه آوردیم و تعارض دینی ملی میان عرب و رومیان را بازتاب دادیم؛ همچنین، تعارض فرهنگی میان عرب و ایرانیان را در قصیده ابونواس بررسی کردیم و در سومین مورد به مطالعه تعارض شخصی میان بحتری و افراد زمانه وی پرداختیم. تعارض متحرک که در رویارویی ذاتی انسان با سرنوشت نمود می‌یابد؛ در این مورد، رثای ابن رومی را بر فرزند میانیش، مثال زدیم. تعارض داخلی که تعارض شخص با خودش هست؛ احساس به وجود به شکلی خصمانه؛ من این تعارض را به فصل دوم منتقل نمودیم؛ زیرا که با فصل دوم ارتباط محکمی داشت. از طرف دیگر، خواستیم مسئله تناسب فصول رعایت شود.

در فصل دوم، میان زمان به معنای موضوعی فیزیکی و زمان از طریق تجربه انسانی، تمایز برقرار نمودیم؛ همان‌طور که از اثر زمان بر مکان سخن گفتیم و قصیده بحتری در مورد ایوان کسری را بررسی نمودیم و از تعارض درونی بحتری در این قصیده غافل نبودیم. تعارض داخلی که بحتری از طریق آن، سلطه زمان و مکان را در مقابل ضعف انسان در برابر آن، آشکار نمود. به نمادگونی ایوان نیز در قصیده پرداختیم.

در فصل سوم، از ویژگی‌های تئوری قهرمانی سخن گفتیم و در این مورد، دو قصیده را به عنوان نمونه آوردیم. قصیده نخست از مسلم بن ولید است در مدح یزید بن مزید شیبانی؛ زیرا مسلم در اظهار ویژگی‌های قهرمانی نزد ممدوحان برجسته شد؛ من آن را با توجه به جلوه‌های قهرمانی ممدوح، مورد بررسی قرار دادیم. دوّم: قصیده متنبی در مدح سیف الدوله حمدانی است که در آن قصیده، توانایی متنبی در توصیف صحنه‌های نبرد، به رخ کشیده شده است؛ به ویژه نبردهایی که سیف‌الدوله با رومیان داشت و انواع تعارض را در آن به نمایش گذاشت و قهرمانش، سیف‌الدوله را به صورتی یکتا و یگانه نشان داد.

در فصل چهارم، ابتدا مفهوم ساختار زبانی و اختلاف شاعران را در آن مشخص نمودیم و دو قصیده را در همین راستا مورد بررسی قرار دادیم. نخست قصیده ابوتمام و دیگری قصیده ابوفراس حمدانی و در میان تحلیل، در تراکیب شعری و طبیعت زبان هریک تأمل نمودیم. من، خط درامی دو قصیده را نیز مورد بررسی قرار دادیم.

امیدوارم خوانش من از شعر دوره عباسی بر اساس این اصطلاح، هدفی را که به دنبال آن بودم، محقق سازد؛ این هدف عبارت است از: سوق دادن نگاه پژوهشگران و ناقدان به امکان‌پذیری بهره‌برداری بررسی میراث ادبی از اصطلاحات نقدی جدید؛ همچنان که امیدوارم چنین شیوه‌ای در بررسی میراث شعری، مورد پسند و قبول قرار گیرد.

والله ولی التوفیق والقادر علیه

د. هیثم جدیتاوی

اربید. الأردن

